

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۸

فصل نامه علمی - تخصصی عصر آدینه

سال نهم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۵

نشانه های ظهور و ویژگی های حکومت امام زمان علیه السلام در شعر مهدوی

(بررسی تطبیقی اشعار محمد بن حُسام خُوسفی و سید حیدر حلی)

مرتضی قائمی^۱

ابوذر گلزار خجسته^۲

میترا خدادادیان^۳

چکیده

شعر مهدوی از زیر مجموعه های شعر مناقبتی است که در قلمرو شعر آیینی، از گستره وسیع، شکوه و منزلت خاصی برخوردار است. شناخت نشانه های ظهور و ویژگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام و چگونگی انعکاس آن در شعر مهدوی و هم چنین ارتباط و تاثیر بر این نوع شعر ملازم ممارست خاص می باشد. اغلب شعرای شیعی در آثار هنری خود به شعر مهدوی اهتمام ویژه ای داشته و آثار آنان با این گونه اشعار جلوه و نمود خاصی پیدا کرده است. محمد بن حُسام خُوسفی و سید حیدر حلی دو شاعر نامی در حوزه شعر مهدوی در ادب فارسی و عربی هستند. پژوهش تطبیقی حاضر در پی آن است که انگیزه های این دو شاعر در روی آوردن به شعر مهدوی، نحوه به کارگیری نشانه های ظهور و ویژگی های حکومت امام زمان علیه السلام را مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد، شباهت های بسیاری در

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)
(mortezaaghaemi2@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا همدان.

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا همدان.

رویکرد این دو شاعر به شعر مهدوی، اما تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هم بین آن دو وجود دارد. خوشف، بیش‌تر از نشانه‌های ظهور به ویژه فراگیر شدن ظلم، اما حیدر حلی، به ویژگی‌های حکومت آن حضرت به خصوص نابود کردن ظالمان توجه نموده است. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی، توصیفی و مقایسه‌ای است.

واژگان کلیدی

ادبیات تطبیقی، شعر مهدوی، حکومت امام زمان (عج)، محمد خوشف، حیدر حلی.

مقدمه

شعر مناقبتی از مهم‌ترین شاخه‌های شعر آیینی در ادبیات است. اصولاً شعر مناقبتی دارای دو بعد؛ ارزشی و ضد ارزشی است و با لحاظ کردن و پای فشردن بر جنبه‌های ارزشی شعر مناقبتی است که می‌توان آن را از زیر مجموعه‌های شعر آیینی به شمار آورد، بدین معنی که اشعار ارزشی در مدح، مرثیه و بیان فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) سروده شده است. اما بسیار اتفاق افتاده که در دیوان اشعار برخی از نام‌آوران شعر حتی رد پای یک شعر مناقبتی از نوع ارزشی آن را نیافته‌ایم، ولی در عوض به تعداد بی‌شماری از قصاید برمی‌خوریم که به مناسبت‌های مختلف در ستایش سلاطین و جور حاکمان آزمند سروده شده است و عموماً دارای ساختار لفظی محکمی هستند و آرایه‌های معنوی و لفظی در آن‌ها موج می‌زند، ولی حتی یک بیت در این‌گونه آثار پیدا نمی‌شود که شاعر نسبت به آل اطهار عرض ادب و ارادت کرده باشد (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۷). شعر مهدوی از زیر مجموعه‌های شعر مناقبتی است که در قلمرو شعر آیینی، گستره دامنه‌داری دارد و از شکوه و منزلت خاصی برخوردار است. لزوم آشنایی با کلیاتی از چند و چون شعر آیینی و مناقبتی برای شیفتگان شعر مهدوی امری بدیهی است، چرا که آنان را با مسائلی آشنا می‌کند که در برقراری یک رابطه منطقی با شعر شیعی - عموماً و شعر مهدوی - خصوصاً نقش کلیدی دارند (مجاهدی، بی‌تا: ۲۹۱-۲۹۲). مقوله ظهور از حوزه وسیعی در قلمرو شعر مهدوی برخوردار است و بازتاب گسترده‌ای در این نوع شعر آیینی دارد. مقوله ظهور دارای دو جنبه شخصی و عمومی است و در شعر مهدوی به هر دو جنبه ظهور مهدوی، عنایت خاصی مبذول شده است (همان: ۱۷۴).

از مهم‌ترین معیارهای الزامی شعر مهدوی بیان حسی و عینی و برقراری ارتباط با

مخاطبان است و زبان ساده شاخص‌ترین معیار آن است. شعر مهدوی، واژه‌های مهجور و دشوار را بر نمی‌تابد و تجلی عنصر خیال در کلام منظوم از اصلی‌ترین معیارهای شعر مهدوی به شمار می‌رود. هم‌چنین احیای ارزش‌ها باید همیشه مورد عنایت شاعران آیینی قرار گیرد. چون سروکار شاعران آیینی با ذوات مقدسی است که مثل انسانیت‌اند، باید در نهایت ادب و فروتنی از آنان سخن گفت و حرمت آنان را پاس داشت (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

از شعرای بزرگ ادبیات فارسی و عربی که در حوزه شعر مهدوی فعالیت نموده و توانسته‌اند این نوع ادبیات را به نحو احسن در اشعار مناقبتی خود بازتاب نمایند، محمد بن حسام خوسفی و حیدر حلی می‌باشند. نوشته حاضر در پی آن است که با چشم‌اندازی تطبیقی اشعار دو شاعر مذکور را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

۱. بازتاب نشانه‌های ظهور در شعر کدام شاعر نمود بارزتری دارد؟
۲. کدام شاعر ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) را در اشعارش بیش‌تر منعکس نموده است؟

پیشینه پژوهش

محمد بن حسام خوسفی و سید حیدر حلی هریک از جایگاه درخوری در ادب فارسی و عربی برخوردارند و همواره مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان ادبیات بوده‌اند. از جمله پژوهش‌هایی که درباره خوسفی صورت گرفته، مقاله‌ای با عنوان «بازتاب حماسی انتظار در دیوان ابن حسام خوسفی» (مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال اول، شماره سیزده، ص ۳۱۱-۳۲۳) نوشته طاهره خوشحالی دستجردی است که نگارنده به مفهوم انتظار و بررسی آن در دیوان خوسفی می‌پردازد. در خصوص حیدر حلی نیز مطالبی نگاشته شده، مثل کتاب «بوسه‌ای بردست شاعر» نوشته مصطفی قلیزاده علیار، که اشاره به زندگی نامه و آثار سید حیدر حلی دارد. در خصوص نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) نیز کتب و مقالات فراوانی نوشته شده که از آن میان می‌توان به این مورد اشاره نمود، مقاله‌ای با عنوان «بیان علائم ظهور حضرت مهدی (عج)» (نشریه جامعه جعفریه، شماره سیزده، ص ۶۹-۷۲) نوشته جعفر خندق‌آبادی است که نویسنده، نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) را مورد بررسی قرار می‌دهد. در مورد ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) نیز مقاله‌ای

تحت عنوان «ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عج)» (نشریه درس هایی از مکتب اسلام، سال ۲۸، شماره ۲، ص ۵۵-۶۰) نوشته علی اکبر حسینی به رشته تحریر درآمده که نگارنده، حکومت حضرت مهدی (عج) و ویژگی های آن را بررسی نموده است. اما در زمینه مقایسه تطبیقی بررسی نشانه های ظهور و ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عج) و بازتاب آن در شعر مهدوی و بررسی آن در اشعار ابن حسام خوسفی و سید حیدر حلی پژوهشی صورت نگرفته است؛ لذا بررسی و تحلیل نشانه های ظهور و ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عج)، بین این دو شاعر با رویکرد تطبیقی کاملاً نواست.

محمد بن حسام خوسفی

محمد بن حسام خوسفی از بزرگ ترین شاعران و مبلغان مذهب شیعه است که در اوائل قرن نهم در خوسف یکی از دهستان های ولایت قهستان متولد شد (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳: ۲۳). وی از شاعران وارسته، متعهد و نام آشنایی است که به انگیزه خدمت به دین و نشر تعلیمات آن (ادبیات مذهبی) را به کمال رسانده و در میان شاعران و ادبای این سرزمین، ایران جایگاه ممتاز یافته است (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۳۷). دیوان ابن حسام خوسفی مشتمل بر ۷۴۶ صفحه که شامل ۱۱۰ قصیده، ۱۲ ترکیب بند، ۴ مورد ترجیع بند و ۳ مورد مسمط می باشد که شاعر در اکثر اشعارش مصائب اهل بیت (ع) را بیان نموده است (صفا، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۶۹-۱۷۰).

سید حیدر حلی

سید حیدر حلی شاعر برجسته شیعی عرب زبان قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری، فرزند سید سلیمان، در ۱۲۴۶ ق در حله متولد شد (قلی زاده علیار، بی تا: ۱). خانواده سید حیدر حلی از خاندان سادات اصیل و معروف به فضل، دیانت، شعر، ادب و علم در شهر حله عراق بود. هریتی از اشعارش متضمن اندیشه ای والا، الهی، انسانی و آموزنده است. برخی از ادبا و شعرشناسان عرب که با شعر سید آشنا شدند، بر این باورند که او از تمام معاصرانش برتر است. در رثا و ثنای اهل بیت (ع)، به ویژه در مرثیه سرائی برای سالار شهیدان امام حسین (ع)، سید را بزرگ ترین شاعر عرب شمرده اند و معتقدند که هیچ شاعری در این عرصه به او نمی رسد. از این منظر، او را «شاعر الحسین (ع)» و «شاعر

المهدویة» لقب داده‌اند (شریفی، ۱۳۹۱: ۲). حلی در ۱۳۰۴ ق در ۵۹ سالگی و در نجف اشرف بدرود حیات گفت (کبیر، ۱۳۷۲: ۳۳۳).

اوضاع اجتماعی عصر هردو شاعر

ابن حسام خوشفی در دورانی که غاتگران بیگانه به تعدی و خونریزی و به استضعاف کشیدن مردم مسلمان ایران می‌پرداختند، با خلق اشعار حماسی خود به نام ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام، امام علی علیه‌السلام و امام زین العابدین علیه‌السلام و خصوصاً حضرت مهدی علیه‌السلام، فریاد در گلو خفته مردم عصر خود را بازگو می‌کرده است (خوشحال دستجردی، بی تا: ۵۷). دوران زندگی او با غلبه تیموریان بر ایران مقارن بود. در این دوره که یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ ایران بود، خراسان عرصه تاخت و تاز بر سر قدرت و جنگ‌های خانمان سوز شاهزادگان تیموری قرار گرفته بود. عامه مردم در آتش فقر و فاقه می‌سوختند و مورد انواع شکنجه و قتل و غارت‌های شاهزادگان و امرای تیموری واقع می‌شدند. بدین جهت ابن حسام خوشفی این شاعر حماسه سرا با وجود داشتن قریحه و نبوغ شگرف شاعرانه از رفتن به دربار پادشاهان تیموری خودداری کرد و از راه استنساخ قرآن و نیز کشت و زرع روزگار گذرانید. ابن حسام شعر را در راه اشاعه عقیده و مذهب و مبارزه با قدرت‌های ظالم و ستمگر و فاسد بیگانه که تمامی ارزش‌های دینی را در معرض نابودی قرار داده بودند به کار گرفت. در آن دوره حساس تاریخ که غارتگران بیگانه، استقلال و ملیت و امنیت ایران را در معرض خطر قرار دادند و کوچک‌ترین مخالفت و جنبش را از طرف مردم به شدیدترین وجهی سرکوب می‌کردند. آن‌ها با وجود قتل عام‌های خونین و مکرر و تجاوز به اموال و نوامیس دیگران، ادعای دین‌داری و عدالت و احسان به زیردستان داشتند. او با سلاح شعر به جنگ با دشمنان شتافت و اولین و بزرگ‌ترین حماسه دینی ادب فارسی یعنی خاوران نامه را به وجود آورد (همان: ۵۸ - ۵۹).

عراق در قرن سیزدهم (هم دوره با سید حیدر حلی) تحت سلطه حکام عثمانی بوده که به واسطه آن شاهد حوادث و رخدادهایی بوده است که از آن میان جدال دو مذهب شیعه و اهل سنت از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌گردد. در این دوره صفویان در اوج قدرت و حکمرانی خود در ایران به سر می‌بردند؛ لذا در این زمان شیعیان عراقی به عنوان جاسوس دولت صفوی شناخته شده و در محدودیت کامل بودند. نجف در قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن چهاردهم، مرکزیت علمی برای شیعه داشت. این زمان، علمای شیعه عرب

اکثریت را داشتند و دانشجویان شیعه عجم در محدودیت بودند. اما به زودی به دلیل مشکلات ایجاد شده میان صفویان و عثمانیان، عراق برای عالمان شیعه ناامن شد و به تدریج این مرکزیت به ایران انتقال یافت (ان ویلی، بی تا: ۴۰).

عثمانی ها گرچه از لحاظ قدرت نظامی جزو حکومت های بزرگ در عصر خود به شمار می رفتند اما به تدریج ورفته رفته حاکمان آن غیر از خوش گذرانی به چیز دیگری نمی اندیشیدند و ترکان عثمانی از لحاظ صنعت در مقایسه با سایر حکومت ها در نقطه پائینی قرار داشتند. از دیگر مشکلات وارده بر حکومت عثمانی ها خیانت وزیران و درباریان؛ حتی گاهی اوقات افراد مسیحی با نام اسلام وارد کاخ حکومتی شده و به مکر، حيله و توطئه می پرداختند. عراق و مردم آن در این دوره به خاطر ظلم و جور حاکم، با فقر، گرسنگی و ویرانی هایی که در پی جنگ هایی بین حکومت ها در جریان بوده، دست و پنجه نرم می کردند. در این اوضاع نابسامان بعضی از شعرا دست به مدح و ستایش حاکم زده و بعضی دیگر نیز به زهد و تصوف پناه می برند (www.sunnatonline.com). با این تفاسیر ملاحظه می شود، محیط اجتماعی هر دو شاعر علی رغم فاصله زمانی پنج سده، دورانی پراز ظلم، فساد و ناعدالتی بوده است، لذا اوضاع حاکم بر هر دو جامعه یکسان بوده و به تبع آن، این دو شاعر برای تسکین دردهای خویش و استمداد از حضرت مهدی (عج) در اشعار خود از مضامین دینی به خصوص شعر مهدوی بهره گرفته اند.

جایگاه مهدویت در شعر و ادبیات

مسئله مهدویت از دیرباز در شعر فارسی و عربی، گاه به صورت کنایی و غیر مستقیم و گاه به شکل روشن و آشکار از مهدی موعود (عج) یاد کرده اند. در سده های آغازین هجری از نام مقدس مهدی بیش تر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می شده، نمادی که یادآور صلح، آرامش، عدل، پیروزی، جهان شمولی اسلام، نابودی کفر و مظهر قدرت بیان گشته است (مجاهدی، بی تا: ۳۲).

بیش ترین اشعاری که راجع به امام زمان، حجة بن الحسن العسکری (عج) سروده شده، حول محور مهدویت، انتظار، غیبت و ظهور است. کمتر قصیده ای را در این باب می یابید که در آن مسئله مهدویت، انتظار و ظهور مطرح نباشد. شعرا در اشعار خویش، از ظلم و ستمی که به اهل بیت پیامبر (ع) شده، به خصوص از جنایاتی که نسبت به امام حسین (ع) روا داشتند، به شدت به پیشگاه ولی عصر (عج) شکایت

می‌کنند و بی‌صبرانه انتظار فرج آن حضرت را می‌کشند و نیزگاهی از انتشار ظلم و ستم و رواج فحشاء و منکرات در جامعه شکوه می‌کنند و چشم امید به ظهور آن منجی عالم بشریت دوخته‌اند و همین مایه امید است که به آن‌ها نشاط و دل‌گرمی می‌دهد (حسن، بی‌تا: ۱).

شعر مهدوی از نظر معنا و محتوا اقسام متفاوتی دارد و با این که از نظر موضوعی کاملاً متمایز از یکدیگرند، ولی در نهایت به یک نقطه مشترک معنوی می‌رسند و در مسائل مربوط به امام زمان (عج) با هم مرتبط می‌شوند، همانند حلقه‌های یک زنجیر که علیرغم استقلال وجودی هر حلقه، نمی‌توان ارتباط تنگاتنگ آن‌ها را با هم نادیده گرفت (مجاهدی، بی‌تا: ۳۳).

نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) در ادبیات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نشانه‌هایی به عنوان علائم ظهور حضرت مهدی (عج) در روایات بسیار آمده، این نشانه‌ها بسیار زیادند که معروف‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها این است که دین به دست فراموشی سپرده می‌شود و سراسر جهان پراز ظلم و فساد می‌گردد. عصر حکومت آن حضرت که با برچیده شدن کاخ ظلم مستکبران و جنایتکاران جهان و گسترش عدل و قسط در سراسر عالم پایه‌گذاری خواهد شد، نهایت آرزوی همه انسان‌های عدالت‌خواه در سراسر جهان بوده و هست. در این مقاله به بررسی فراگیر شدن جهان از ظلم و فساد و کمرنگ شدن دین و تحریف آن به عنوان نشانه‌های ظهور و نابودی ظالمان، انتقام از خون امام حسین (ع)، گسترش عدالت، ایجاد امنیت و آبادانی به عنوان ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) در اشعار مناقبتی خوسفی و حلی پرداخته خواهد شد.

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) در اشعار دو شاعر

فراگیر شدن ظلم و فساد در جهان

فراگیر شدن ظلم و جور، از نشانه‌های معروف ظهور حضرت مهدی (عج) به شمار می‌رود. این نشانه، در روایات بسیار، به چشم می‌خورد. در بعضی به همین عنوان کلی، مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایت معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده:

يَمْلَأُ اللَّهُ بِهَ الْاَرْضُ قِسْطًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (ابن بابویه، ۱۳۳۲: ج ۱، باب ۲۴، ۲۶۰)؛
خداوند، به وسیله ظهور مهدی (عج) زمین را پراز عدل و داد می‌سازد، پس از آن که از

ظلم و ستم پر شده باشد.

هم چنین از حضرت مهدی علیه السلام نقل شده:

علامة ظهوری کثره الهرج والمرج والفتن... (محمدی ری شهری، ۱۳۷۳، ج: ۱، ۱۷۸):
نشانه آشکار شدن من، زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست.

امام باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

مهدی ظهور نمی کند مگر زمانی که ظلم همه جا را فرا گرفته باشد (صافی
گلپایگانی، ۱۳۰۰: ۵۴۰).

برخی از این روایت ها چنین برداشت کرده اند که فراوانی ظلم و فساد در جامعه، زمینه ساز ظهور آن منجی مصلح است؛ بنابراین، کار ظالمان و مفسدان در زمین شایسته است، زیرا سبب نزدیک شدن ظهور حضرت می شوند و در مقابل، کسانی که در پی اصلاح جامعه هستند و در مقابل فساد و تباهی آنان می ایستند، کار شایسته ای انجام نمی دهند، چون ظهور حضرت را به تأخیر می اندازند. از نظر اینان، هر گناه، ظلم، تبعیض، حق کشی و هربلایی، به حکم این که مقدمه اصلاح کلی به شمار می رود، رواست. هم چنین معتقدند بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج فساد است. باید گفت که این گروه، به مصلحان، مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند، زیرا آنان را کسانی می دانند که ظهور حضرت را به تأخیر می اندازند. آنان از اهل فساد راضی هستند، زیرا مقدمات ظهور را فراهم می کنند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه، از گناه کاران و عاملان فساد راضی هستند (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۴ - ۵۵).

با این تفاسیر خوسفی به عنوان شاعری دینی، اشعار خود را در این زمینه به بهترین وجه ممکن آراسته است و در مورد گسترش ظلم و فساد به عنوان یکی از نشانه های ظهور اشعار خود را در خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می سراید:

ظلم و بیداری بیدادگران نگر	داد بخشا داد بستان تا به کی؟
عالم از ظلمت سواد شب گرفت	آخرای خورشید تابان تا به کی؟
ظلم و جور و بغض و کین بسیار شد	فسق و کبر و کفر و طغیان تا به کی؟

(دیوان: ۱۲۶)

همین‌طور که ملاحظه می‌شود، ابیات فوق بیانگر گسترش ظلم و فساد و گله‌مندی شاعر از اوضاع است. او هم چنین ظلمت شب را برای ظلم و ستم و خورشید تابان را برای حضرت مهدی (عج) به استعاره گرفته است و ابیات کاملاً برگرفته از روایات در مورد نشانه‌های ظهور است که نشان از توجه خوشفای به دین و روایات می‌باشد. وی در ابیاتی دیگر و در این راستا از گسترش فساد، دلی پر خون دارد که اشعار خود را این‌گونه عرضه می‌دارد:

جهان فساد گرفت ای دریغ اهل صلاح بر آفتاب غلومی‌کند شب دیجور
خطا و زلت و عصیان به غایتی برسد که زنده رشک برد برفنای اهل قبور
ربا و خمرو زنا و عقوق و ترک حقوق حمایت طرف باطل و شهادت زور
(همان: ۲۳۷)

در هریک از ابیات، شاعر به وضوح اشاره به ظلم و فساد موجود در جامعه دارد، که برگرفته از این روایت مشهور از امام صادق (ع) است که در آن، بیش از یک صد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت، دامن‌گیر جوامع اسلامی می‌شود، پیش‌گویی شده است، از جمله: قماربازی، شراب‌خواری، زیاد شدن زنا، لواط، سنگدل شدن مردمان، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم، صرف کردن سرمایه‌های عظیم در فساد و ابتذال و بی‌دینی، تملق‌گویی و... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۰۱-۱۲۲).

حیدر حلی نیز در مورد فراگیر شدن فساد به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) می‌گوید:

مَاتَتْ شِعَارُ الْإِيمَانِ وَانْدَفَعَتْ مَا بَيْنَ خَمْرِ الْعَدَى وَ مَيْسِرِهَا
(دیوان: ۵۳)

مظهر و نماد ایمان مرده است و ایمان در بین شراب‌خواری دشمنان دین و قماربازی آن‌ها، دفن گشته است.

حلی با ناراحتی و بغض کامل از نابود شدن ایمان سخن گفته و نارضایتی خود را از افشای فساد ابراز نموده است و در بیت زیر نیز، حلی با گله و شکایت از امام زمان (عج)، ظلم فراگیر را به نوعی متفاوت‌تر از خوشفای نشان داده است و با به کار بستن اسلوب استفهام

حزن خویش را این گونه ابراز می دارد:

وَكَمْ يَنْحَتُ اللَّهُمَّ أَحْشَاءَنَا وَكَمْ تَسْتَطِيلُ يَدُ الْجَائِرِ
وَكَمْ نَصَبَ عَيْنِكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ تُسَاطِ بِقَدْرِ الْبَلَاءِ الْفَاتِرِ

(همان: ۳۹۹)

تاکی غصه ورنج، اعضای دورنی ما را بتراشد و تاکی دست ستمگر، برستم کاری اش دراز باشد؟ ای پسر پیامبر تاکی مقابل دیدگانت بر ما تازیانه های سست کننده فرود آورده شود؟

در بیت مذکور شاعر ضمن اشاره به فراگیری ظلم، از امام زمان علیه السلام دادخواهی طلب می کند و در ابیاتی دیگر با شدت وحدت بیشتری فراگیری ظلم و ستم که یکی از نشانه های ظهور می باشد را نشان داده است:

الْأَخْرَبُ بِهِ تَعْرِقُ اللَّحْمَ مِنَّا وَفِيهِ تَشْتَظِي الْعِظَامَ يَدُ الْكَاسِرِ
وَفِيهِ يَسُومُونَنَا خُطَّةً بِهَا لَيْسَ يَرْضَى سِوَى الْكَافِرِ

(همان: ۳۹۶)

ظلم شان در گوشت تن ما ریشه دوانده و استخوان های ما را دست ظلم شان از هم جدا ساخته است. در این زمان ما را شکنجه می کنند، در جایی که هیچ کس جز کافر به آن راضی نیست.

گسترش فساد و ظلم به عنوان نشانه ظهور حضرت قائم علیه السلام در اشعار هر دو شاعر از جایگاه درخوری برخوردار بوده و هر دو شاعر در ضمن بیان مطالب در مورد گسترش فساد، با به کار بستن اسلوب طلبی، خواهان ظهور امام بوده و اشعار کاملاً برگرفته از مطالب دینی می باشد.

کمرنگ شدن دین و تحریف آن

در بعضی از احادیث به این نکته اشاره شده است که امام زمان علیه السلام آئین جدیدی خواهد آورد. به عنوان مثال عبدالله بن عطا می گوید:

خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: سیره و رفتار مهدی چیست؟ فرمود: همان کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داد، مهدی هم انجام می دهد. بدعت های موجود را خراب می کند. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اساس جاهلیت را منهدم نمود، آنگاه

اسلام را از نو بنا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۵۳).

ابو خدیجه از امام صادق (ع) روایت نموده که فرمود:
هنگامی که قائم ظهور کرد با امر جدیدی خواهد آمد، چنان‌که رسول خدا (ص) در آغاز
اسلام مردم را به امر جدید دعوت می‌کرد (همان، ۳۳۸: باب ۲۷).

اما قطعاً مراد این احادیث این نیست که امام زمان (عج) دین اسلام را نسخ کند و دین
جدیدی ارائه کند، چرا که دین اسلام آخرین دین و پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر الهی
است. در بسیاری از احادیث به این مطلب تصریح شده است که حضرت مهدی (عج) از
دین و قرآنی که بر جدش پیامبر (ص) نازل شده دفاع می‌کند. پیامبر (ص) می‌فرماید:
قائم از فرزندان من و هم نام و هم کنیه من است. خوی او، خوی من و رفتارش، رفتار
من است. مردم را به طاعت و دین من وادار می‌نماید و به قرآن، دعوت‌شان می‌کند
(حر عاملی، بی‌تا: ج ۷، ۵۲).

نیز در روایت دیگری از پیامبر (ص) وارد شده است که:

یکی از اهل بیت من قیام می‌کند و به سنت و روش من عمل می‌نماید (مجلسی،
۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۲).

بنابراین به تصریح این روایات، در زمان امام زمان (عج)، دین همان دین اسلام و قرآن
همان قرآن نازل شده بر پیامبر اسلام (ص) خواهد بود. با توجه به این نکته باید گفت که
مقصود از روایات دسته اول آن است که: در زمان غیبت بدعت‌هایی در دین گذاشته
می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام، بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود. بسیاری از
احکام و حدود چنان فراموش می‌شود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است. بسیاری از
مسلمان‌ها ارکان اسلام را رها می‌کنند و به ظواهر آن اکتفا می‌کنند. از اسلام، جز نماز و
روزه و اجتناب از نجاسات، چیزی نمی‌دانند. در بازار و کوچه و خیابان و خانه، اثری از از
اسلام‌شان پیدا نیست. اخلاقیات و دستورات اجتماعی را اصلاً از اسلام، محسوب
نمی‌کنند. محرمات الهی را با حيله‌های گوناگون و تأویلات صوری جایز می‌شمیرند و از
ادای حقوق واجب خودداری می‌کنند. اما هرگز امام عصر احکام الهی که توسط حضرت
محمد (ص) بیان شده را تغییر نمی‌دهند زیرا در حدیث صریح و صحیحی در کتاب
شریف کافی وجود دارد که حلال حضرت محمد (ص) تا روز قیامت حلال است و حرام او
تا روز قیامت حرام است (امینی، ۱۳۷۷: ۳۲۳-۳۲۸).

خوسفی با تشبیه کردن امام زمان علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام و نابود کردن گوساله سامری که اشاره به داستان حضرت موسی علیه السلام دارد، کمرنگ شدن دین و ایجاد بدعت‌های جدید در آن را با حسرت ابراز می‌دارد و این بدعت‌ها تنها از طریق امام زمان علیه السلام برداشته خواهد شد:

ساحری سامری بسیار شد آخرای موسی بن عمران تا به کی؟

(دیوان: ۱۲۶)

وی هم چنین با تشبیه نمودن امام زمان علیه السلام به حضرت داود و تحریف کتاب زبور و هم چنین تشبیه به حضرت سلیمان علیه السلام و سوال در مورد غائب بودن هدهد و اشاره به سوره مبارکه نمل، آیه ۲۰-۲۴، به طور غیر صریح اشاره به تحریف کتب آسمانی و دین دارد:

بیا به مسند داوودی ای خلیفه ارض پرس تا به چه تغییر می‌دهند زبور
تفقدی بکن ای آصف سلیمان قدر که غائب است چرا هدهد از میان طیور
(همان: ۲۳۹)

فعل امری که در هر دو بیت توسط شاعر به کار بسته شده است نشان از حزن و غم بی شمار شاعر در مورد کمرنگ شدن دین دارد و این اشعار طبق روایات مذکور، به وضوح دلیل بر نشانه‌های ظهور حضرت می‌کنند.

نابودی اصول و فروع دین در بین مردم، به عنوان یکی از موارد کمرنگ شدن دین قبل ظهور است که حیدر حلی در اشعار خود به آن‌ها اشاره می‌کند:

كَمْ ذَا الْقُعُودُ وَدَيْئُكُمْ هُدِمَتْ قَوَاعِدُهُ الرِّفِيعَةُ

تَنَعَى الْفُرُوعُ أَصُولُهُ وَأَصُولُهُ تَنَعَى فُرُوعَهُ

(دیوان: ۴۱۹)

چقدر به انتظار می‌نشینی در حالی که ستون‌های رفیع دین نابود شده‌اند و فروع دین خبر مرگ اصول و اصول خبر مرگ فروع را می‌دهند.

شاعر با سؤالی شروع کردن بیت، شدت حزن خود را در نابود شدن دین قبل از ظهور امام زمان علیه السلام بیان نموده است، چرا که فروع و اصول دین خبر از مرگ همدیگر دادن نشان از نابود شدن دین دارد و ابن حسام در بیتی دیگر، امام زمان را چون پزشکی می‌داند که

دردهای دین را آلام می‌بخشد و آن را بهبود می‌بخشد:

كَمْ يَتَذَلَّلُ دِينَ إِلَّا لَهُ إِلَيْكَ مِنَ النَّفَرِ الْجَائِرِ

يُمْدِدًا تَشْتَكِي ضَعْفَهَا لِطَبِّكَ فِي نَبْضِهَا الْفَاتِرِ

(همان: ۳۹۴)

چقدر دین خدا از ستمکاران شکایت می‌کند؟ دین خدا برای سنجش نبض ضعیفش دست به سوی طبیبی چون تو دراز کرده و از ضعف خود به تومی نالد.

حلی در راستای کم رنگ شدن و نابود شدن دین به عنوان یکی از نشانه‌ها، پا را فراتر نهاده و دین را چون انسانی می‌داند که از دست ستمکاران فریاد یاری خواهی سرزده و قلبش نیز در حال شکوه می‌باشد:

أَللَّهُ يَا حَامِيَ الشَّرِيعَةِ اتَّقَرَّوْهُيْ كَذَا مَرَوْعَةٍ

بِكَ تَسْتَعِثُّ وَقَلْبُهَا لَكَ عَنْ جَوَى يَشْكُو صُدُوعَةٍ

(همان: ۴۱۸)

ای حامی دین، چگونه بریک جا، مانده‌ای؟ حال آن‌که وحشت حکم فرماست. دین از تو، فریاد خواهی می‌کند و یاری می‌طلبد و قلبش از غم و اندوه شکوه دارد.

با توجه به این‌که هر دو شاعر، متعهد و شیعی مذهب بوده‌اند، توانسته‌اند روایات و احادیث مربوط به نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) و به ویژه تحریف دین به عنوان یکی از این نشانه‌ها، در اشعار خود به طور احسن بازتاب دهند و ارادت خویش را نسبت به اهل البیت و قائم آن‌ها نشان دهند و این امر نیز به اعتقادات دینی آن‌ها باز می‌گردد.

ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) در اشعار دو شاعر

نابودی ظالمان و ستمکاران

در جهانی که ما زندگی می‌کنیم حق و باطلی وجود دارد: «حَقٌّ وَبَاطِلٌ وَ لِكُلِّ أَهْلٍ» (شریف رضی، ۱۴۲۷: خطبه ۱۶) و خداوند هر دو را مشخص کرده است: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد: ۱۰). پیروی از این دورا اختیاری قرار داده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ...» (کهف: ۲۹) و درگیری حق و باطل را درگیری تاریخی می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَقَاتِلُونَ فِي

سَبِيلِ الطَّاعُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَهُ...» (نساء: ۷۶). همواره بین حق و ظالمان درگیری‌هایی وجود داشته تا جایی که یکی از خصوصیات بارز حکومت حضرت مهدی عج سازش‌ناپذیری حضرت است، یعنی از اجرای حدود و احکام الهی و مبارزه با ستمگران، قاطعیتی خدایی دارد. هیچ چشم‌پوشی و مسامحه‌ای در کار او نیست و تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی و تکفیرهای داخلی و ارتجاعی در او هیچ اثری نمی‌گذارد. امام کاظم علیه السلام فرمودند:

خداوند برای دوازدهمین از خاندان ما هردشواری را آسان می‌گرداند... و به دست او هر جنبار سختی نابود می‌شود و هر شیطان سرکشی هلاک می‌شود (نعمانی، ۱۳۳۲: ۲۳۱).

خوسفی ظلم‌ستیزی امام و برقراری عدل در حکومت او را که موجب هلاکت کفار و منافقین می‌شود، چنین به تصویر می‌کشد:

عالم چو شب سیاه شد از جور شامیان

صبح عدل مشعل زرین لگن بیار

بزخم تیغ دوپیکر نه شرک مان نه نفاق

به نوک نیزه خطی نه کفر مان نه کفور

(دیوان: ۲۳۸)

کشتاری که امام از ظالمان به راه می‌ندازد به اندازه‌ای شدت و حدت دارد که زمین از سرخی خون آن‌ها سرخ می‌گردد و خوسفی این واقعه را چنین عرضه می‌دارد:

گویی که تیغ قائم آل محمد است

از خون خصم کرده زمین را خضاب سرخ

(همان: ۳۷۹)

هر کسی که مخالف حکومت حضرت باشد، چاره‌ای جز مقهور و تسلیم شدن در برابر امر او ندارد و خوسفی این مهم را به صورت شعر درآورده است:

چوبازوی توشود قهرمان تیغ شوند

مخالفان بسر تیغ قاهره مقهور

(همان: ۲۳۹)

حیدر حلی نیز در راستای نابود شدن ظلم در حکومت امام زمان (عج) و با به کار بستن اسلوب ندا، از ایشان یاری طلبیده و خواستار حمایت از دین و زدن گردن ظالمان می‌شود:

يَا غَيْرَ اللَّهِ اِهْتَفِي بِحِمِيَةِ الدِّينِ الْمَنِيعَةِ

وَصَبَا اِنْتِقَامِكَ جَزْدِي لِطَلَى ذَوِي الْبَغْيِ الثَّلَايَةِ

(دیوان: ۴۱۹)

ای غیرتمند الهی به حمایت دین استواربانگ برزن و لبه‌های شمشیر انتقامت را برای زدن گردن‌های دراز ظالمان از غلاف بیرون بکش.

زمین از لوٹ ظالمان پاک نمی‌گردد مگر با نابودی ظالمان و به راه افتادن خون آنها که این مهم را حلی بدین‌گونه می‌سراید:

لَا تُظْهِرُ الْأَرْضُ مِنْ رَجَسِ الْعَدَى أَبَدًا

مَا لَمْ يَسْلُ فَوْقَهَا سَيْلُ الدَّمِ الْعَرَمِ

(همان: ۴۱)

زمین هرگز از پلیدی دشمنان پاک نخواهد شد، مگر آن‌که خون آنان چون سیل عزم جاری گردد.

نسل ظالمان در حکومت امام زمان قطع خواهد شد و ظلم آنها پایان می‌پذیرد که حلی در این باره می‌گوید:

لَا بُدَّ مِنْ أَنْ نَرَى الظَّالِمِينَ بِسَيْفِكَ مَقْطُوعَةَ الدَّائِرِ

(همان: ۴۱۹)

نسل ظالمان توسط شمشیر توطع می‌شود و این چیزی است که باید ببینیم.

در حوزه مبارزه با ظلم و نابودی آن توسط حضرت قائم (عج) در حکومت خویش و بازتاب آن در اشعار خوسفی و حلی لازم به اشاره می‌باشد که، هر دو شاعر با حدت و شدت مطالب مورد نظر که تماماً برگرفته از دین می‌باشد را بیان نموده‌اند و اشعاری که در راستای ظلم‌ستیزی امام سروده شده‌اند، بیش‌تر رنگ و بوی نفرت و کینه از ظالمان و مشرکانی

دارند که در دل دو شاعر پنهان شده است.

انتقام خون امام حسین علیه السلام

امام زمان علیه السلام ولی دم پدر بزرگوارشان سیدالشهداء علیه السلام هستند، در حالی که هنوز انتقام خون پدر را از قاتلان ایشان نگرفته‌اند و از این جهت، مورد عظیم‌ترین ظلم‌ها واقع شده‌اند. یکی از مأموریت‌های حضرتش پس از ظهور، انتقام گرفتن از قاتلان امام حسین علیه السلام است و لذا حضرت مهدی علیه السلام با لقب «ثائر دم الحسین والشهداء معه صلوات الله علیهم» (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۶۳) خوانده می‌شوند.

خون امام حسین علیه السلام به ناحق ریخته شده است و صاحب این خون، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام هستند و خداوند متعال وعده فرموده که قائم آل محمد علیهم السلام از قاتلان پدر خویش خون خواهی کند. در قرآن کریم آمده است: «... وَمَنْ قُتِلَ مُظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا» (اسراء: ۳۳) کسی که مظلوم کشته شود، ما برای او (نسبت به قاتل) سلطه قرار داده‌ایم.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه فرموده‌اند:

مقتول (در این آیه) حسین بن علی علیه السلام است که مظلومانه کشته شد، و ما صاحبان خون ایشان هستیم و قیام‌کننده از ما اهل بیت، وقتی قیام کند، خون خواهی حسین علیه السلام را می‌نماید (عیاشی، بی‌تا: ج ۲، ۲۹۰).

همه اهل بیت علیهم السلام و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در انتظار روزی هستند که چنین امری عملی گردد. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

وقتی جدم امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، فرشتگان الهی به ضجه و گریه آمدند و عرضه داشتند: ای پروردگار و آقای ما! آیا از کشتگان برگزیده‌ی آفریدگانت درمی‌گذری؟ خدای عزوجل در پاسخ به آن‌ها فرمود: آرام باشید! قسم به عزت و جلال خود، من از ایشان هر چند بعد از گذشت مدت زمانی قطعاً انتقام خواهم گرفت. سپس خداوند، امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را به فرشتگان شناساند و آن‌ها با دیدن ائمه علیهم السلام مسرور شدند. در میان آن‌ها یک نفر ایستاده مشغول نماز خواندن بود، خدای عزوجل فرمود: «بذلك القائم أنتقم منهم» با همین کسی که ایستاده است، از آن‌ها انتقام می‌گیرم (اصفهانی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۴). خود حضرت در ابتدای ظهور همین ندا را می‌دهد: «ای اهل عالم منم شمشیر انتقام گیرنده وای جهانیان جد من حسین علیه السلام را تشنه کام کشتند...» (یزدی حائری، بی‌تا:

ج ۲، ۲۸۲).

در راستای انتقام خون امام حسین علیه السلام که یکی از ویژگی‌های حکومت امام زمان علیه السلام است، خوسفی با دلی اندوهگین از امام زمان علیه السلام تقاضای خون خواهی امام حسین علیه السلام می‌کند:

از خاک کربلا که بلا بر بلاست آن

تسکین درد و داغ دل پر حزن بیار

از خون حلق تشنه اولاد مصطفی

بوی گلاب و رنگ عقیق یمن بیار

از عارض وقد ورخ گلگونه حسین

رنگ عبیر و لاله و سرو و سمن بیار

(دیوان: ۲۳۳)

این تقاضای خون خواهی در بیتی دیگر نیز نشان از شدت حزن خوسفی دارد که با حسرت تمام چنین می‌سراید:

در چشم خون فشان شفق کحل عین کن

بر اهل شام دعوی خون حسین کن

(همان: ۳۸۰)

حیدر حلی نیز با به کارگیری اسلوب طلبی، از امام زمان علیه السلام تقاضای خون خواهی جد بزرگوارشان می‌کند:

وَ أَطْلُبُ بِدَمِ الْقَتِيلِ بِكَرْبَلَاءَ فِي خَيْرِ شِيعَتِهِ مَاذَا

يَهْيِيْجُكَ إِنْ صَبَرْتَ لَوْعِهِ الظَّفِ الْفَظِيْعَةِ

(دیوان: ۴۱۹)

با شمشیر در میان بهترین شیعه، خون شهید کربلارا بخواه اگر برای واقعه دردناک طف صبر کنی پس چه چیزی تورا به جوش و خروش وامی‌دارد.

این خون خواهی از ناحیه حیدر حلی تا جایی از اهمیت برخوردار می‌باشد که وی علاوه بر خون خواهی امام حسین علیه السلام توسط امام زمان علیه السلام، سخن از رنج‌های حضرت

فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام به میان می آورد، که دلالت بر اوج فاجعه و بحرانی بودن اوضاع دارد:

مَا خَلَّتْ تَقَعْدُ حَتَّى تَسْتَأْذِنَهُمْ
وَأَنْتَ أَنْتَ وَهُمْ فِيَمَا جُنُوهُ هُمْ
لَمْ تَبَقْ أَسْيَافِهِمْ مِنْكُمْ عَلَى ابْنِ تَقَى
فَكَيْفَ تَبْقَى عَلَيْهِمْ لَا أَبَالَ لَهُمْ
فَحَمْلُ أُمِّكَ قَدَمًا أَسْقَطُوا حَنْفًا وَ
طِفْلٌ جَدُّكَ فِي سَهْمِ الرِّدَى فَطُمُوا

(همان: ۱۱۷)

تاکی در انتظار زمان انتقام خواهی ماند؟ حال آن که تو امامی و آنان همان جنایت کارانند. شمشیرهای آنان از کشتن هیچ یک از شما باز نماند، پس چرا این بی اصل و نسب ها را به حال خود می گذاری؟ آنان با ستم فرزند مادرت را سقط کردند و با تیر، طفل جدت را سیراب کردند.

شاعر تصاویری که در مورد شهادت امام حسین علیه السلام و انتقام امام زمان علیه السلام از ظالمان می گیرد را ایجاد نموده، تصاویر زنده و پویا می باشند و گویی قاری با خواندن این گونه اشعار تصویری از این واقعه در برابر دیدگان وی ایجاد می شود.

اشعاری که هر دو شاعر در خون خواهی و انتقام از قاتلان سید الشهداء علیه السلام سروده اند دارای بار نفرت از قاتلان داشته لذا با بی صبری از حضرت مهدی علیه السلام تقاضای انتقام می کنند و اشعار با روایات و آیاتی که دال بر انتقام امام زمان علیه السلام از ظالمان و قاتلان امام حسین علیه السلام دارند، کاملاً سنجیدگی داشته و اشعار به وضوح دینی و شیعی بودن هر دو شاعر را به اثبات می رساند.

گسترش عدالت

برقراری عدل و قسط در عالم و ریشه کن ساختن بیداد و تبعیض، از ویژگی های اصلی حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. به این ویژگی در بسیاری از رهنمودهای ائمه اطهار علیهم السلام اشاره شده است. در این زمینه، امام رضا علیه السلام می فرمایند:

خداوند متعال توسط حضرت مهدی علیه السلام زمین را از هر ستمی پاک خواهد

ساخت... آن حضرت وقتی قیام کردند میزان عدل و داد را در میان مردم مستقر می‌نماید و به گونه‌ای به کارها رسیدگی می‌کند که احدی جرات تعدی و ظلم به دیگری را نخواهد کرد (ابن بابویه، ۱۳۳۲: ج ۲، ۳۷۳).

وقتی که قائم قیام کند، داوری را بر اساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد و زمین برکاتش را خارج می‌سازد و حق هر کس را به او برمی‌گرداند، و در بین مردم همانند داود و محمد داوری می‌کند... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۸).

خوسفی نیز در این راستا و با بهره‌گیری از روایات و آیات متعدد درباره عدالت حکومت امام زمان (عج) اشعاری همسو و همگام با آن‌ها سروده و علاقه خویش را به این امام بزرگوار چنین به نمایش می‌گذارد:

سیاست عدل کامل او که راعی خلق و خلق راعیست

به ضبط شامل نهیب گرگ از درون جان غنم برآرد

نه شیر بر گور و گرگ بر میش و باز بر کبک و سگ بر آهو

بروز عدلش مجال یابد که دست زور و ستم برآرد

(دیوان: ۱۵۵)

چنان‌که از اشعار پیداست، شاعر، عدالت در حکومت حضرت مهدی (عج) به گونه‌ای دانسته که علاوه بر انسان‌ها، حیوانات نیز به خاطر عدل امام، قادر به ستم و ظلم علیه یکدیگر نمی‌باشند، چنان‌که در بعضی روایات آمده است حیوانات درنده و غیر درنده با هم صلح می‌کنند (حر عاملی، بی‌تا: ج ۳، ۵۴۲، ح ۵۲۱). چوپان‌ها خیالشان از گرگ‌ها راحت است، تازه خود گله هم در طول مسیرش تا چراگاه پا روی گندم‌ها و دانه‌های درشت نمی‌گذارند (شافعی، ۱۴۲۸: ۱۵۹) حاکمیت جهانی حضرت چنین تحوّل جهانی را به دنبال دارد.

خوسفی جهان قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) را پر از فساد و ظلم دانسته که با ظهور امام و برقراری حکومت ایشان، این ظلم‌ها توسط امام از بین رفته و جای خود را به عدالت خواهد داد:

چنان‌که پر بود از جور و کین جهان خراب

به دین و داد کند عدل او معمور

(همان: ۲۳۸)

خوسفی در این راستا و در بیتی دیگر می گوید:
روی زمین که پر بود از فتنه فساد

هم پشستی عدالت او پر کند ز داد

(همان: ۳۷۹)

سید حیدر حلی هم چون خوسفی عدالت را که ویژگی جدانشدنی از حضرت مهدی عج می باشد، علت حفظ انسان ها از دست ظالمان و ستمگران دانسته، لذا این مهم را در غالب بیتی به عرصه حضور می رساند:

فَقَفَّ عَدْلُكَ مِنْ دِينِنَا قَفًّا عَجَمَتْهَا يَدُ الْأَطَرِ

(دیوان: ۴۱۹)

شاعر عدالتی را که حضرت مهدی عج به پا می کند و بساط ظلم درهم می پیچد را به خاطر مهربانی امام دانسته است و در شعر مناقبتی خود می گوید:

بَسَطَ الْعَدْلُ رَأْفَةً وَطَوَى الْجَوْرَ جَمِيعاً مِنْ كُلِّ غَوْرٍ وَنَجَدِ

(همان: ۷۹)

حضرت مهدی عج عدل را به خاطر مهربانی اش گسترش داده و ظلم را در هر سرزمینی درهم پیچید.

با توجه به مطالب بیان شده، عدالت به عنوان یکی از ارکان مهم حکومت امام زمان عج در شعر هر دو شاعر از جایگاه درخوری برخوردار بوده است، اما خوسفی نسبت به حلی بیش تر و دقیق تر این مهم را در اشعارش گنجانده، به طوری که مطالب و مضمون اشعارش کاملاً با روایاتی که در مورد ویژگی های حکومت امام زمان عج گفته شده، همسو و همگام بوده است.

امنیت کامل

امام زمان عج با سیاستی که در پیش خواهند گرفت، در مدت بسیار کوتاهی امنیت و صلح و صمیمیت را در تمام زمینه ها تحقق خواهند بخشید.

علی ع در این باره می فرمایند:

وقتی که قائم ما قیام کند، کینه ها از دل های مردم بیرون می رود... امنیت به گونه ای

گسترش پیدا می‌کند یک زن، علیرغم به همراه داشتن اشیاء گران قیمت فاصله بین عراق تا شام را به تنهایی طی خواهد کرد. بدون این که کوچک ترین ترسی در دل داشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۰۰: ۴۷۴).

امام صادق (ع) در توصیف آن دوران می‌فرمایند:

به اندازه‌ای امنیت ایجاد خواهد شد که حتی وحوش و حیوانات درنده نیز در امان خواهند بود و هیچ خطری آن‌ها را تهدید نخواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۱۶).

در کتاب کمال الدین از امام صادق (ع) روایت شده است که در تفسیر این آیه شریفه ﴿...سَيُزَوِّجُهَا لِبَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ...﴾ (سبأ: ۱۸) شب‌ها و روزها در این آبادی‌ها با ایمنی سفر کنید؛ فرمود:

مراد ما، قائم اهل بیت است یعنی در زمان آن حضرت هر کسی در شب یا روز، هر کجا که رود، ایمن و محفوظ است (همان، ج ۵۲، ۳۱۳، ح ۸).

برقراری امنیت در هر حکومتی کاملاً وابسته به برقراری عدالت از سوی حاکم می‌باشد. خوسفی امنیت موجود در حکومت امام زمان (عج) را وابسته به عدل امام دانسته، که این عدالت، امنیتی ویژه به وجود آورده و شاعر در این باره می‌گوید:

بادا جهان ز عدل تو اندر امان و امن کاندر جهان ز عدل تو امن و امان رسید
(دیوان: ۲۳۶)

امنیت ایجاد شده در حکومت حضرت مهدی (عج) نه تنها شامل انسان‌ها بلکه، حیوانات نیز در حکومت امام زمان (عج) در امنیت کامل به سر برده و امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

حتی حیوانات وحشی در امن و امان بسر می‌برند به طوری که در راه‌های روی زمین مانند چهارپایان اهلی به چرا می‌پردازند (کاظمی، بی‌تا: ۱۸۵).

خوسفی نیز با بهره جستن از این روایت در مورد امنیت در حکومت امام زمان (عج) می‌گوید:

نه پنجه پلنگ و نه دندان گرگ یافت

هر گله ای که همچو تو او را شبان رسید

(همان: ۲۳۵)

حیوانات وحشی چون گرگ و پلنگ نیز در حکومت امام هیچ خطری برای گوسفندان نداشته که این خود در تصدیق سخن گران بهای امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد امنیت در بین وحوش در حکومت امام زمان علیه السلام می باشد. هم چنین خوشی در این باره در بیتی دیگر می گوید:

به دوراوندان که پنجه بگشاید نه شیر

شرزه بر آهونه باز بر زو زور

(همان: ۲۳۸)

سید حیدر حلی، با به کارگیری فعل طلب، برقراری امنیت را که جزء ارکان مهم حکومت امام است را چنین عرضه می دارد:

وَسَكِّنْ أَمْنَكَ مِنَّا حَشَى غَدَتَ بَيْنَ خَافَقَتَي طَائِرٍ

(دیوان: ۴۱۸)

با امنیت ما را به گونه ای سکونت بده، که تحت دوبرال به پهنای دوکتف اسرافیل را پر کرده باشد.

این تضرع و التماس از سوی شاعر نشان دهنده غم و اندوه وی بوده و هم چنین به کار بستن این گونه اشعار در توصیف امنیت امام، دارای دو خصوصیت بارز می باشد: اولاً همگامی شاعر با روایات متعدد در مورد امنیت در حکومت امام زمان علیه السلام دارد و ثانیاً گسترش امنیت را به شکل دو پهنای کتف اسرافیل به نمایش درآورده است که نشان از مهارت خاص شاعر در سرودن اشعار مهدوی دارد.

شاعر امنیت موجود را کاملاً وابسته به حضرت مهدی علیه السلام می داند، به طوری که امام هر کجا که سکنی گزید، مایه آرامش و امنیت بوده و این امنیت در همه جا گسترش پیدا می کند:

وَلَئِنْ أَقَمْتُ بِحَيْثُ أَنْتَ وَقَدْ أَمْنَتْ بِكَ الْأَقْطَارُ وَالسُّبُلُ

(همان: ۱۱۱)

به جانم سوگند، هر کجا که سکنی گزینی، به خاطر تو امنیت در سرزمین ها و وراه ها برقرار می گردد.

حیدر حلی نسبت به خوسفی، امنیت که جزء یکی از ویژگی‌های حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه) می‌باشد را کم‌رنگ‌تر به تصویر کشانده، چون خوسفی از علاوه بر امنیت به وجود آمده میان انسان‌ها از امنیت بین حیوانات نیز سخن به میان آورده که این نشان از توجه و عنایت خاص وی به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه) و حکومت ایشان دارد.

رفاه و آبادانی

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه)، رفاه و آسایش عمومی است که در نتیجه اجرای عدالت تحقق پیدا خواهد کرد. این امر خود، زمینه‌ای برای رشد و تعالی معنوی جامعه جهانی خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرمایند:

وقتی در امت من، مهدی (عجل الله تعالی فرجه‌ه) قیام کند... مردم به اندازه‌ای از نعمت‌های الهی برخوردار خواهند شد که در هیچ زمانی به چنان وضعی دست نیافته‌اند و زمین و آسمان برکات خود را برای آن حضرت و یارانش ظاهر خواهد ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۸)

امام باقر (عجل الله تعالی فرجه‌ه) نیز می‌فرمایند:

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه‌ه) اموال را در میان مردم چنان مساوی قسمت خواهند کرد که دیگر نیازمندی یافت نخواهد شد که به اوزکات بدهند (همان، ج ۵۲: ۳۹۰).

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه‌ه) پس از پیروزی بر طاغوت‌های زمان از جمله کارهایی که انجام خواهند داد تمام خرابی‌هایی را که سردمداران حکومت‌های ستمگر در طول تاریخ به وجود آورده‌اند برطرف خواهند ساخت. از امام باقر (عجل الله تعالی فرجه‌ه) در این باره نقل شده است که:

در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه‌ه)، در روی زمین هیچ ویرانی نخواهد ماند که آباد نشود... (ابن بابویه، ۱۳۳۲: ج ۱، ۳۳۱).

برخی از علمای اهل سنت همانند مسیحیان، حضرت عیسی (عجل الله تعالی فرجه‌ه) را مهدی آخر زمان می‌شناسند که به هنگام ظهور، از آسمان چهارم به زمین خواهد آمد و جهان را مدینه فاضله خواهد کرد. برخی از شعرای فارسی زبان نیز که از مذهب اهل سنت پیروی کرده‌اند همین دیدگاه را در شعر خود نمایانده‌اند (مجاهدی، بی تا: ۴۷). با این تفاسیر خوسفی، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه) را چون حضرت مسیح (عجل الله تعالی فرجه‌ه) دانسته که از آسمان نزول نموده و خاک مرده را زنده کرده و در نتیجه همه جا را آباد می‌نماید:

خاک زمین مرده بدم زنده کرده باد گویی مسیح بود که از آسمان رسید
(دیوان: ۲۳۴)

ابیات اشاره به آیه شریفه ﴿...يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾ (حدید: ۱۷) دارد که امام
کاظم علیه السلام پیرامون این آیه شریفه می‌فرمایند:

این زنده کردن زمین با باران نیست بلکه خداوند مردانی را برمی‌انگیزد تا عدالت را
زنده کنند، پس زمین در پرتو عدل زنده می‌شود، اجرای حد در زمین خدا مفیدتر از
چهل روز بارندگی است.

وی در خلال مدحی که در مورد عظمت و بزرگواری حضرت قائم علیه السلام انجام داده، به طور
صریح سخن از آباد شدن و سرزنده گشتن زمین دارد که این آبادانی یکی از ویژگی‌های
حکومت امام زمان علیه السلام است:

باد عنفت بشانند به فلک برمشعل

آب لطفت بمانند به چمن برلاله

گربه صحرا بخرامی به تماشای بهار

درسم اسب توریزد ورق زرلاله

(همان: ۳۸۵)

امام زمان علیه السلام با گذاشتن قدوم مبارک خویش بر هر سرزمینی باعث آباد گشتن و رفاه
مردم می‌گردد به طوری که در کتاب عصر ظهور در این باره نوشته شده است:

امام زمان علیه السلام به هر سرزمینی وارد می‌شود، باران پی‌درپی می‌آید و زمین خشک را
پس از مرگش، زنده و سبز و خرم می‌کند و به دنبال آن برکت‌های زمین بروز می‌نماید و
در دسترس قرار می‌گیرد (کورانی، ۱۳۸۰: ۴۱۲).

سید حیدر حلی با به‌کارگیری فعل طلب تنها راه خرم گشتن زمین را در نابودی فاسدان
دانسته لذا از امام زمان علیه السلام درخواست می‌کند فاسدان را نابود کرده و در نتیجه باعث
خرمی و آبادی زمین گردد:

أُعِيدُ سَيْفَكَ أَنْ تَصْدِيَ حَدِيدُتَهُ

وَلَمْ تَكُنْ فِيهِ تَجَلَّى هَذِهِ السَّيِّئِ

قَدْ أَنْ أَنْ يَعْطِرَ الدُّنْيَا وَسَاكِهَا

دَمَاءَ أَغْرَعَرَّ عَلَيْهِ النَّقْعُ مَرَّكُمْ

(دیوان: ۴۳)

به خدا پناه می‌برم که شمشیرت کند شود و این نعمت‌های وعده داده شده آشکار نگردد. زمان آن رسیده که دنیا و مردم آن را با خون فاسدانی که یک باره کشته می‌شوند خرم‌سازی.

وی در مصرع اول از وعده‌های داده شده در مورد امام زمان (عج) که یکی از این وعده‌ها، نابودی فاسدان و خرم شدن زمین است، سخن به میان آورده که توجه وی به سخنان امامان معصوم (علیهم‌السلام) در مورد حکومت امام زمان (عج) را حکایت دارد. شاعر در بیتی دیگر آسایش و خوشی در حکومت امام زمان (عج) را به گونه‌ای دانسته است که از هر جهت بر دیگرایام برتری داشته و این آسایش تنها به خاطر امام زمان (عج) صورت پذیرفته است:

أَيُّمْنَا بِكَ بِيَضِّ كُلِّهَا عَرَّوْ

عَيْشِنَا بِكَ غَضِّ مُوَيْقُ نَضِرْ

(همان: ۱۴)

روزگار ما به خاطر تو سپید و روشن است و زندگی ما به خاطر تو زیبا و سرسبز گشته است.

با توجه به مطالب یاد شده باید گفت، هر دو شاعر به رفاه و آسایشی که امام زمان (عج) برقرار نموده‌اند، پرداخته و این مهم را بیش‌تر در اشعار مناقبتی و مدائح خود بازتاب داده‌اند.

حکومت واحد جهانی

هنگامی که حضرت مهدی (عج) و یاران جان‌برکف او با عنایت‌های الهی و حمایت توده‌های مستضعف جهان بر غارتگران جهان‌خوار، ظالمان تجاوزکار، قدرت‌های سیاسی و کانون‌های سلطه، که جهان را به نسبت زور و زورشان بین خود تقسیم کرده‌اند، قیام کردند و آن‌ها را از صفحه روزگار برانداختند؛ زمان آن فرا می‌رسد که مرزهای کشورها از روی کره زمین برداشته شوند و زمینه برای تشکیل حکومت واحد جهانی به رهبری امام معصوم (علیهم‌السلام) فراهم گردد. حضرت پیامبر (ص) فرموده است:

قائم ما حتماً مالک زمین می شود و آن را پراز عدل و داد می کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۸).

آن حضرت در حدیث دیگری فرماید:

او کسی است که خدا به دست او شرق و غرب جهان را فتح می کند با تشکیل آن حکومت یگانه جهانی است که مصلحان بشری به اهداف عالی خود می رسند و نادانسته ها به علم، ناتوان ها به قدرت، نگرانی ها به آرامش و تفرقه ها به اتحاد مبدل خواهند شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۰۰: ج ۲، ۱۰۱).

حکومتی که امام زمان علیه السلام پایه ریزی می کنند به گونه ای می باشد که تمامی جهان به اذن خداوند قادر در دستان حضرت مهدی علیه السلام می باشد و علاوه بر انسان ها تمامی حیوانات و آجنه نیز تابع امرایشان بوده و تحت حکومتی واحد به رهبری امام زمان علیه السلام خواهند بود و این امر را خوسفی با مهارتی تمام در اشعارش به نمایش درآورده است:

میان دایره چون نقطه معتکف باشیم

بجور دور بسازیم تا بدور ظهور

ظهور مهدی قائم که چون سلیمان

مسخرند بر غبت و حوش و جن و طیور

(دیوان: ۲۳۸)

علاوه بر انسان ها، آجنه و حیوانات حتی شب و روز نیز مطیع امر امام زمان علیه السلام بوده و تمام دنیا زیر سلطه ایشان قرار می گیرد و خوسفی این مهم را در در مناقب موسوم به هفت گل^۱ خود به تصویر می کشد:

جهت خدمت قائم بتواضع شب و روز

مانده بر پای و سرافکنده بیکجا نرگس

۱. ابن حسام خوسفی سه ترکیب بند مناقبتی در ستایش حضرت ولی عصر علیه السلام دارد که در پیشینه شعر مهدوی در زبان فارسی بی سابقه است:

۱. مناقب هفت رنگ با ردیف قرار دادن رنگ های سپید، زرد، سرخ، سبز، کبود، بنفش و سیاه؛ ۲. مناقب هفت معدن با ردیف قرار دادن گوهر، لعل، یاقوت، عقیق، پیروزه، مروارید و مرجان؛ ۳. مناقب هفت گل با ردیف قرار دادن نرگس، لاله، گل، نیلوفر، سنبل، سمن و سوسن. ابن حسام با ردیف قرار دادن هریک از این رنگ ها و سنگ های قیمتی و گل ها، دست به کاری بزرگ در شعر مهدوی زده و به خوبی از عهده برآمده است (مجاهدی، بی تا: ۱۳۲).

(همان: ۳۸۵)

علاوه بر مناقب هفت گل، خوسفی در مناقب هفت معدن (فلز) خود نیز به ویژگی حکومت واحد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) می‌پردازد و اشاره می‌کند:

هلال حلقه بگوش توشد از آن
دارد ز راه مرتبه در گوشواره پیروزه
اساس گلشن پیروزه را مدار به تست
بسیط مرکز شش گوشه را قرار به تست

(همان: ۳۸۳)

حکومت واحد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در تمام روی زمین منتشر می‌گردد و همه جا را فرا می‌گیرد به طوری که امام باقر (ع) در این باره می‌فرمایند:

گویا اصحاب حضرت قائم (ع) را می‌بینیم که ما بین مشرق و مغرب را احاطه نموده‌اند (واحد تحقیقاتی گل نرگس، ۱۳۸۶: ۷۳).

حیدر حلی نیز این گسترش سلطنت امام را در غالب شعر گنج‌انده و با زیبایی خاصی به تصویر می‌کشد:

دَعَى جُنُودَ اللَّهِ تَمَلَّأَ هَذِهِ الْأَرْضُ الْوَسِيعَةَ

وَاسْتَأْصَلَ حَتَّى الرِّضِيعِ لَالٍ حَرْبٍ وَ

(دیوان: ۴۱۹)

رهاکن لشگریان الهی را تا عرصه پهناور زمین را پرکنند و آل حرب حتی اطفال شیرخوارشان را از صحنه روزگار براندازند.

سلطنت و حکومت واحد امام دارای ویژگی خاصی می‌باشد و آن این است که، حکومت امام زمان نور خود را از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) اخذ می‌کند و مردم نیازی به نور ماه و خورشید ندارند، چنان‌که امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...» (زمر: ۶۹) می‌فرمایند:

مرئی زمین حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است. مردم از روشنایی خورشید و نور ماه بی نیاز می‌شوند و به نور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) اکتفا می‌کنند.

حلی نیز این امر مهم را بدین سان به تصویر می کشد:

أَمَّا لِيُقْعِدَكَ مِنْ آخِرِ أَثَرِهَا فَدَيْتُكَ مِنْ ثَائِرِ

نُورِهَا يَمِيتُ ضُحَى الْمَشْرِقِينَ بِظُلْمَةٍ قَسَطَلَهَا

(همان: ۴۰۱)

آیا نشستن و عدم قیام تو پایانی ندارد؟ این جلوس را تبدیل به قیام کن که ما خونخواهان فدایی تو هستیم. نور این قیام، نور خورشید و ماه را می میراند و ظلمت غبار آلود و فراوانش را از بین می برد.

اشعاری که خوسفی در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام سروده در مقایسه با حلی از ارزش بالاتری برخوردار بوده به گونه ای که به طور واضح به برقراری حکومت واحد از سوی امام اشاره دارد، اما حیدر حلی به طور غیر واضح اشاره به این امر می کند.

نتیجه گیری

گسترش فساد و ظلم به عنوان نشانه ظهور حضرت قائم علیه السلام در اشعار هر دو شاعر از جایگاه درخوری برخوردار بوده و هر دو شاعر در ضمن بیان مطالب در مورد گسترش فساد، با به کار بستن اسلوب طلبی، خواهان ظهور امام بوده و اشعار کاملاً برگرفته از مطالب دینی می باشد.

نمی توان دیدگاه های این دو شاعر را در اشعار مناقبتی شان نادیده گرفت. خوسفی و حلی با توجه به مطالب یاد شده نقش یک خطیب و بیان کننده مطاب مربوط به ظهور و حکومت امام زمان علیه السلام بوده، چرا که زبان شعری آن دو، زبانی ساده، همسو با درک مردم عامه و دارای نکات مذهبی - شیعی است. به عبارت دیگر باید گفت هر دو شاعر، شعر را وسیله انتقال آرا و عقاید خود به مردم قرار دادند و خط مشی هر دو شاعر دینی است.

در مورد تصویرپردازی در شعر مهدویت این دو شاعر نیز باید گفت بیشترین، زیباترین و تأثیرگذارترین تصویرپردازی، تصاویر مربوط به انتقام از خون امام حسین علیه السلام به عنوان یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام در شعر دو شاعر می باشد.

با توجه به این که هر دو شاعر، متعهد و شیعی مذهب بوده اند، توانسته اند روایات و احادیث مربوط به نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام و به ویژه تحریف دین را به عنوان یکی از این نشانه ها، در اشعار خود به طور احسن بازتاب دهند و ارادت خویش را

نسبت به اهل‌البیت وقائم آن‌ها نشان دهند واین امر نیز به اعتقادات دینی دوشاعر باز می‌گردد.

اشعاری که هر دوشاعر در خون‌خواهی و انتقام از قاتلان سیدالشهداء (ع) سروده‌اند، دارای بار نفرت از قاتلان داشته لذا با بی‌صبی از حضرت مهدی (ع) تقاضای انتقام می‌کنند و اشعار با روایات و آیاتی که دال بر انتقام امام زمان (ع) از ظالمان و قاتلان امام حسین (ع) است، کاملاً سنخیت داشته و به وضوح، دینی و شیعی بودن هر دوشاعر را به اثبات می‌رساند.

عدالت به عنوان یکی از ارکان مهم حکومت امام زمان (ع) در شعر هر دوشاعر از جایگاه درخوری برخوردار بوده است، اما خوسفی نسبت به حلی بیشتر و دقیق‌ترین مهم را در اشعارش گنجانده، به طوری که مطالب و مضمون اشعارش کاملاً با روایاتی که در مورد ویژگی‌های حکومت امام زمان (ع) گفته شده، همسو و همگام بوده است.

هر دوشاعر با حدت و شدت مطالب مورد نظر که تماماً برگرفته از دین می‌باشد را بیان نموده‌اند و اشعاری که در راستای ظلم‌ستیزی امام سروده شده‌اند، بیش‌تر رنگ و بوی نفرت و کینه از ظالمان و مشرکانی دارند که در دل دوشاعر پنهان شده است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۳۲)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
- اصفهانی، محمد تقی (۱۳۷۸)، مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم علیه السلام، محقق: محمد قزوینی، قم، ناشر مسجد جمکران.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۷)، دادگستر جهان، قم، ناشر شفق.
- ان ویلی، جویس (بی تا)، نهضت اسلامی شیعیان، ترجمه مهوش غلامی، تهران، نشر نی.
- آیتی، محمد حسین (۱۳۷۱)، بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان، چاپ دوم، مشهد، انتشارات فردوسی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۷، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- حسن، عبد الله (بی تا)، تجلی برکات وجود امام غایب در آئینه شعر عربی، ویرایش: داود میرزایی مقدم، تهران، نشر نی.
- حلی، سید حیدر (۱۳۷۴)، دیوان، قم، نشر شریف رضی.
- آنخواندمیر، غیاث الدین (۱۳۳۳)، حبیب السیر فی أخبار افراد بشر، ج ۳، مشهد، انتشارات خیام.
- خوسفی، محمد بن حسام (۱۳۶۶)، دیوان، به اهتمام: احمد احمدی بیرجندی، مشهد، انتشارات اداره کل حج و اوقاف استان خراسان.
- خوشحال دستجردی (بی تا)، بازتاب حماسی انتظار در دیوان ابن حسام خوسفی، مجله علوم انسانی دانشگاه بیرجند، سال اول، شماره اول، ص ۵۶-۷۲.
- شافعی، یوسف بن یحیی مقدس (۱۴۲۸)، عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام، قم، نشر اسلام.
- شریف رضی، علی بن حسین (۱۴۲۷)، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت.
- شریفی، رقیه (۱۳۹۱)، خاستگاه و جایگاه حکمت در سروده های سید حیدر حلی، پایان نامه ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲)، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، قم، مکتب المؤلف.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۸، چاپ دهم، تهران، فردوس.

- عیاشی، محمد بن مسعود (بی‌تا)، *التفسیر للعیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- قلیزاده علیار، مصطفی (بی‌تا)، *بوسه‌ای بردست شاعر (نگاهی به زندگی و آثار سید حیدر حلی شاعر برجسته شیعی)* www.golizadeh.parsiblog.com.
- کاظمی، مصطفی بن ابراهیم (بی‌تا)، *بشارة الاسلام فی علامات المهدی (عج)*، بیروت، البلاغ.
- کبیر، باحث (۱۳۷۲)، *شعراء الحله*، بغداد، مطبعة الزهراء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، *اصول کافی*، ترجمه: احمد بانپور، تهران، نشر استوار.
- کورانی، علی (۱۳۸۰)، *عصر ظهور*، چاپ چهارم، تهران، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸)، *شعرآیینی و تاثیر انقلاب اسلامی بر آن*، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگی عاشورا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۳)، *میزان الحکمه*، مترجم: حمید رضا شیخی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- مجاهدی، محمد علی (بی‌تا)، *سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی*، قم، ناشر مسجد جمکران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *قیام و انقلاب مهدی (عج)*، قم، نشر رضی.
- نعمانی، ابو عبد الله محمد بن ابراهیم (۱۳۳۲)، *غیبت نعمانی*، بیروت، دارالکتاب.
- واحد تحقیقاتی گل نرگس (۱۳۸۶)، *شگفتی‌ها و عجائب دنیا در بعد از ظهور امام زمان*، چاپ هفتم، قم، شمیم گل نرگس.
- یزدی حائری، علی بن زین العابدین (بی‌تا)، *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب (عج)*، ج ۲، بیروت، موسسه علمی للمطبوعات.

